خبر

عشق به حسین(ع) ازلی و ابدی است

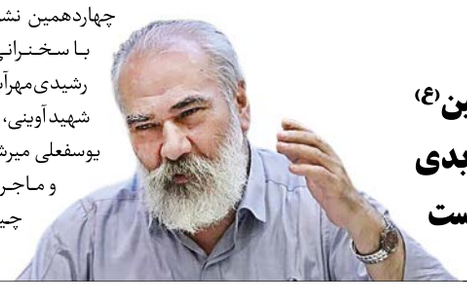

چهاردهمین نشست از سلسله نشست‌های «تکیه کتاب» با سخنرانی یوسفعلی میرشکاک و اجرای میثم رشیدی‌مهرآبادی با بازخوانی کتاب «فتح خون» نوشته شهید آوینی، نگاهی عرفانی به واقعه عاشورا داشت.
یوسفعلی میرشکاک در این نشست بیان کرد: اگر عاشورا و ماجرای کربلا را از کل اسلام بگیریم، از اسلام چیزی باقی نمی‌ماند. به تعبیر امام ششم، جعفربن‌محمد(ع) که در پاسخ به سؤالی می‌فرمایند: «همه چیز در کربلا تمام شد. چرا متوجه نمی‌شوید که ماجرای کربلا چیست؟»
این شاعر و نویسنده گفت: اسلام یک پدیده خیلی پیچیده است، هرچند همه ادیان الهی پیچیده‌اند اما اسلام دیگر ختم ماجراست و ضمن این‌که ما با معماهای شگرفی در سراسر تاریخ ظهور پیغمبر(ص) و اوصیای ایشان مواجهیم و اوج ماجرا، کربلاست. این «شدن» انسان را نشان می‌دهد. چیزی که اکنون در دست ماست، همین عزاداری‌ها و مراسم و مناسک است. ما «شدن» حسینی را فراموش کرده‌ایم.
سیدمرتضی آوینی سعی‌اش این بود که بر این «شدن» از حیث فکری اثر بگذارد و «فتح خون» را هم در همین راستا نوشت. به تعبیر سیدمرتضی، عشق به حسین(ع)، چیزی ازلی و ابدی است. یعنی گره‌گاه عشق به حضرت حق، عشق به آقا اباعبدا...(ع) است. وقتی کسی خودش را و تمام دار و ندار خود را فدای معشوق می‌کند، تبدیل به معشوق و به تعبیری مظهر معشوق می‌شود. / خانه‌کتاب

زاویه دید

خطر پیرسالی، بیخ گوش کانون

در این بخش از نوشتار قصد داریم به این مسأله بپردازیم که مشکل اصلی کانون پرورش در کجاست؟

الف: ساختار لیبرالی

ساختار کانون شرکت مادرتخصصی دولتی وابسته به وزارت آموزش‌وپرورش تعریف شده است که هیات‌امنا و هیات‌مدیره دارد. به‌طورطبیعی یک شرکت باید درآمدزا باشد و کانون سالانه بودجه خود را به‌عنوان زیان‌کرد و زیان‌انباشته دریافت می‌کند. مجال این بحث اینجا نیست و در آینده بیشتر خواهم نوشت اما مختصر این‌که این ساختار از نگاه کلان غلط به فرهنگ در کشور ما نشات می‌گیرد. این نگاه لیبرالی است. مگر می‌شود سازمانی کار تربیتی بکند و هزینه آن را از متربیان دریافت کند؟ نظام دینی و قرآنی در مقوله تربیت و فرهنگ به سود و زیان مادی نمی‌اندیشد. به نتیجه می‌نگرد. حال با این همه بریزوبپاش غیرضروری این وسط کانون باید خودش هزینه خودش را استحصال کند. جای تامل ندارد؟ بعد موقع پیداکردن مقصران وضع موجود فرهنگی، کانون هم به‌عنوان متولی سر بریده می‌شود. اصلا کجای قانون کانون متولی است؟ مگر شرکت می‌تواند متولی باشد؟ یاد شوخی افتادم که گفت: پلیس راهور خودرویی را متوقف و از راننده مطالبه گواهینامه کرد. راننده در کمال خونسردی گفت: مگر دادی که می‌خواهی؟!

ب: وابستگی به وزارت آموزش‌وپرورش

در شروع انقلاب اسلامی، شورای انقلاب، کانون را به وزارت آموزش‌عالی واگذار کرد. بعدها آنها هم از خیر این شرکت زیان‌ده گذشتند و به وزارت عریض‌وطویل آموزش‌وپرورش احاله شد و به تجربه طولانی خدمت در کانون عرض می‌کنم که وزارت آموزش‌وپرورش گره‌گشای هیچ مشکلی نبوده و نخواهد بود. اگر مشکلی اضافه نکند، حق هم دارند آن‌قدر مشکل انباشته در درون خود و با فرزندان قد و نیم‌قد خود دارند که مجالی برای نوازش کاکل فرزندخوانده‌ای به نام کانون نمی‌ماند.

آیا کانون دچار پیری سازمانی شده؟

کانون ۵۷ ساله دوران میانسالی را طی کرده و به پیری سازمانی نزدیک است اما از نظر تعریف علمی پیری سازمانی ربطی به سن‌وسال ندارد. سازمان‌ها موجودات زنده‌ای هستند که دوران طفولیت، جوانی، میانسالی و پیری دارند. در این میان برخی سازمان‌ها دچار پیری زودرس می‌شوند. شاید بتوان مفهوم پیر یا جوان را به معنای انعطاف‌پذیری و کنترل‌پذیری سازمان در نظر گرفت. سازمان جوان انعطاف‌پذیری زیادی دارد و می‌تواند هنگام بروز مشکلات به‌آسانی تغییر کند. از طرف دیگر به دلیل نبود امکان پیش‌بینی کنترل‌پذیری کمی دارد اما سازمان پیر تمایلی به تغییر ندارد ولی می‌تواند کنترل‌پذیری بالایی داشته باشد. وقتی که سازمان قابلیت انعطاف و کنترل را با هم داشته باشد در حالت تکامل به‌سر می‌برد. چنین سازمانی می‌تواند مزایای جوانی و پیری را با هم داشته باشد. سازمان در اثر پیری و کم‌شدن انعطاف نمی‌تواند به‌خوبی با مشکلات روبه‌رو شود. گاهی مشکلات حل‌نشدنی به‌نظر می‌رسد ولی می‌توان فرآیند پیری را برگشت داد. برای این منظور سازمان باید به دنبال فراهم‌کردن شرایطی باشد که رشد یا جوانی در آن معتدل شده است و سپس سازمان را در همان دوره حفظ نماید. (ادیزس، ۱۹۹۷). به تجربه دیری نخواهد پایید که زنگ پیری سازمانی و حتی مرگ سازمانی بیخ‌گوش کانون به صدا در خواهد آمد اگر:

۱. نسبت به اصلاح ساختار اقدام نکند.
۲. جذب مربیان جوان و خلاق، آشنا به علوم جدید، به‌ویژه ظرفیت‌های فضای مجازی را در دستورکار قرار ندهد.
۳. برای مشکلات جدید راه‌حل‌های جدید و خلاق ارائه نکند.
۴. برنامه راهبردی همراه با افق ۱۰ ساله نداشته باشد.
۵. مزیت رقابتی را برای رقابت با رقبای قدر داخل و خارج جدی نگیرد.
۶. نظام کارمندمحوری را تغییر ندهد.

گزارش

مروری بر بحران اخیر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

بودن یا نبودن، مساله این است

حسین موذن
نویسنده، منتقد و مدیرفرهنگی

این روزها جنجال رسانه‌ای و غیررسانه‌ای در مورد واگذاری مراکز فرهنگی ـ هنری کانون به نهاد کتابخانه‌های عمومی‌کشور خبرساز شده است. بخشی از ماجرا به تقاضایی مبهم از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برمی‌گردد که در آن از دولت خواسته شده کتابخانه‌های کانون (همان مراکز فرهنگی ـ هنری) به نهاد کتابخانه‌های عمومی‌واگذار شود. این تقاضا قبل از طرح موضوع در دولت رسانه‌ای می‌شود و واکنش بسیاری از اصحاب فرهنگ ، هنر و اندیشه را برمی‌انگیزاند. پس از موج مخالفت‌ها با این طرح، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی‌طی اطلاعیه‌ای آن‌را صرفا یک پیشنهاد غیرکارشناسی خواند و البته انتشار نامه وزیر قبل از طرح در دولت را نیز کاری غیرحرفه‌ای قلمداد کرد اما ماجرا به اینجا ختم نشد و مصاحبه محمدرضا سرشار (رضا رهگذر) و صوتی منتسب به فرزندش برابعاد مبهم و البته فراتر از یک درخواست واگذاری افزود. هیجانات رسانه‌ای و فضای مجازی هم بر آتش این ماجرا بی‌وقفه دمیدند و این ماجرا بهانه‌ای شد تا به مدد تجارب طولانی در کانون و آشنایی با فرآیند شکل‌گیری و سیاست‌گذاری آن، کمی‌دقیق‌تر مسأله را بشکافم تا شتاب‌زده له یا علیه کسی قضاوت نشود.

بنا بر اسناد تاریخی، تاسیس کانون به زمستان ۱۳۴۴ برمی‌گردد. بر سر ایده‌پرداز اولیه کانون دیدگاه‌های مختلفی رایج است و آنچه بیشتر به واقعیت نزدیک است، فیروز شیروانلو را صاحب ایده اولیه می‌دانند. به‌طور طبیعی وابستگی کانون به دربار و نزدیکی به حلقه اول قدرت آن را از سایر دستگاه‌های فرهنگی ممتاز می‌کرد، هرچند شاه در پس هر تشکل و تاسیس سازمانی به بهره سیاسی آن فکر می‌کرد اما دیری نپایید که کانون به کلونی توده‌ای‌ها تبدیل شد و اسباب ناراحتی شاه را فراهم کرد. در این میان نویسندگان وهنرمندان زیادی نیز کار در کانون را بر وزارت فرهنگ و هنر ترجیح دادند و بر شکوفایی کانون افزوده شد.
در سال‌های بعد بخش‌های سینمایی و مرکز تولید تئاتر عروسکی (پارک لاله) نیز به آن افزوده شد و کتابخانه‌های کانون (مراکز فرهنگی ـ هنری) در سراسر کشور به‌ویژه مناطق کمتر توسعه یافته گسترش پیدا کرد به‌طوری که در سال ۱۳۵۷ و تولد انقلاب اسلامی، عدد کتابخانه‌ها (مراکز فرهنگی ـ هنری) به ۲۵۰ واحد رسید.
قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، کانون صاحب ۲۵۰ کتابخانه کودک بود که کتابداران وظیفه کتابداری و در کنار آن کمی نیز به فعالیت‌های ادبی و هنری می‌پرداختند. پس از وقوع انقلاب اسلامی و در اواسط دهه ۷۰ ایده تبدیل کتابخانه به مرکز فرهنگی ـ هنری به تصویب رسید و این کار آغازی بود بر فصلی نوین از به‌روزرسانی کانون با شرایط جامعه آن روز. کتابخانه‌ها تبدیل به مراکز فرهنگی ـ هنری شدند و کتابداران به مربیان فرهنگی تغییر سمت دادند. ماموریت‌ها بازنویسی شد و هدف آن به‌روزرسانی فضای کانون با ذائقه مخاطب آن روز تعریف شد. کم‌کم مربیان ادبی و هنری نیز به این جمع اضافه شدند و مرکز فرهنگی ـ هنری به معنای واقعی کلمه شکل گرفت وتغییر ماهیت داد و کتابداری یکی از وظایف چندگانه مربیان فرهنگی شد.
پس از انقلاب گسترش کانون در دستور کار متولیان امر قرار گرفت تا جایی که اکنون مراکز فرهنگی ـ هنری (کتابخانه‌های سابق) به بیش از ۱۰۰۰ واحد ثابت و سیار و پستی می‌رسد. از عمر ۵۷ ساله کانون ۱۳ سال به قبل از انقلاب و ۴۴ سال به بعد از انقلاب برمی‌گردد.
چنان‌که اشاره شد، تبدیل کتابخانه صرف به مرکز فرهنگی ـ هنری، گامی بزرگ در جهت جذب حداکثری کودکان و نوجوانان بود. اگر از افت کیفی سال‌های اخیر کانون که به آن خواهم پرداخت، بگذریم بسیاری از موفق‌ترین چهره‌های علمی، فرهنگی، هنری و حتی سیاسی حال حاضر اعضای دهه ۶۰ و ۷۰ کانون بوده‌اند.

کانون یک نهاد انقلابی نیست

این گزاره که به‌عنوان نقطه ضعف کانون از آن یاد می‌شود، درست است اما به قول معروف، جمله «الحق یراد بها الباطل» است. کانون مثل بسیاری از وزارتخانه‌های دیگر از جمله آموزش و پرورش، نهاد برآمده از انقلاب نیست و خدمت مقدس سربازی هم برآمده از انقلاب نیست اما مهم اهداف و کارکردهاست. مگر ما چند نهاد برآمده از انقلاب داریم؟ تازه برخی وزارتخانه‌ها بعد از انقلاب تغییر عنوان دادند و اهداف خود را بازنویسی کردند، چنان‌که اساسنامه کانون نیز برآمده از شورای انقلاب است. شاید جرم بزرگ کانون، تغییر ندادن عنوان سازمانی آن باشد اما اینها که ارث پدری رژیم گذشته نیست و از جیب ملت و منابع کشور ساخته و پرداخته شده‌اند.

بدنه کانون نیاز به بازسازی جدی دارد که بخشی از آن جز با افزایش اعتبارات و افزایش حقوق و مزایای همکاران شدنی نیست

اگر از دریچه انصاف به موضوع بنگریم، خدمات فرهنگی کانون در تولید کتاب‌های دینی و پرداختن به مسائل دینی و ملی در جهت پرداختن به تقویت باورهای عمیق دینی و ملی در بچه‌ها از عملکرد برخی دستگاه‌ها معنون و پرطمطراق بیشتر باشد. توجه ویژه رهبر معظم انقلاب (حفظه‌ا...) به کانون و توصیه‌های ایشان به مدیران و مربیان شاهد زنده اهمیت و جایگاه کانون است.

چه جایی بهتر از نهاد ریاست جمهوری؟

کانون نیاز به پشتوانه قوی دارد و چه جایی بهتر از نهاد ریاست جمهوری، این پیشنهاد از دو جهت به نفع دولت است:
۱ـ نشان از اهمیت جایگاه کودکان و نوجوانان در منظر دولت سیزدهم دارد و یادگاری جاودان از دولت برای فرزندان این مرز و بوم ماندگار خواهد شد.
۲ـ بسیاری از مشکلات کانون از ساختار شرکتی بودن آن سرچشمه می‌گیرد که با این انجام این پیشنهاد برای همیشه بر طرف خواهد شد.
۳ـ اتصال کانون به بدنه آموزش و پرورش به صلاح هیچ‌کدام نیست و چه بهتر که در این خصوص چاره‌اندیشی شود. بدنه کانون نیاز به بازسازی جدی دارد که بخشی از آن جز با افزایش اعتبارات و افزایش حقوق و مزایای همکاران شدنی نیست. مدیران عالی کانون تمام وقت‌شان به‌جای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، صرف پاسخگویی به گلایه‌ها و شکوائیه‌های بحق مالی، معیشتی و استخدامی می‌شود. کار تربیتی و فرهنگی نیاز به آرامش و نیاز به رسیدن به حداقل‌های معاش دارد. از ذهن خسته و دل شکسته، جز خستگی و دل شکستگی بیرون نمی‌آید.

برش

پیشنهاد یا حکم تخلیه

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پیشنهادی مبنی بر واگذاری مراکز کانون به نهاد کتابخانه‌های عمومی را به استناد ماده یک و تبصره ۲ ماده ۱۱ قانون تاسیس کتابخانه‌های عمومی، با توجه به تخصص و چابک سازی و به‌روز رسانی و کاهش هزینه‌های کانون و افزایش و همسان‌سازی حقوق کارکنان کانون، داده است.
نخست: چنان‌که گذشت، کتابخانه‌های کانون سال‌هاست به مراکز فرهنگی ـ هنری تبدیل شده و کتابداران قدیم اکثر قریب به اتفاق بازنشسته شده‌اند. در حال حاضر کانون بالغ بر ۱۰۰۰ مرکز فرهنگی ـ هنری در سراسر کشور دارد که توسط مربیان مسئول و مربیانی با گرایش فرهنگی، ادبی و هنری اداره می‌شود و کتابداری یکی از چند وظیفه متنوع مراکز است، از این رو به فرض درست بودن استدلال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مبنی بر متولی بودن نهاد کتابخانه‌ها به‌اصطلاح سالبه به انتفای موضوع است و کتابخانه‌ای در کانون نیست که موضوعیت داشته باشد.
دوم: یک بررسی ساده رسانه‌ای نشان می‌دهد وضعیت حقوق و مزایای کارکنان نهاد کتابخانه‌های عمومی اگر بدتر از کانون نباشد، بهتر نیست. همین چندی پیش هشتگ‌های فضای مجازی عزیزان کتابدار مبنی بر رسیدگی به حقوق و مزایای آنها تیتر رسانه‌ها شده بود، بنابراین چگونه می‌توان توقع داشت با افزودن چند هزار کارمند جدید، اوضاع بهتر خواهد شد؟
سوم: کانون یک شرکت دولتی است و تابع قانون تجارت ومسائل حقوقی خاص خود، انتزاع بخشی ازشرکت و کارکنان آن، نیاز به مدت‌ها کار کارشناسی وحقوقی دارد که به‌راحتی شدنی نیست. از طرفی جداشدن مراکز کانون از بدنه با رسالت و ماموریت و اساسنامه کانون مغایرت دارد، چراکه به قول ملای روم «شیر بی یال و دم و اشکم که دید» اگر قرار باشد مراکز ازکانون گرفته شود همان بهتر که انحلال شرکت اعلام شود و برای همیشه به خاطره‌ها بپیوندد. دقت نکردن در جوانب امر، نشان از شتاب‌زدگی عجیب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ارائه این طرح عجیب دارد.
چهارم: بعد اخلاقی موضوع از همه مهم‌تر است. چه این طرح تصویب بشود، چه نشود و آن این‌که به‌عنوان مثال شما در خانه خود نشسته‌اید و ناگهان کسی در می‌زند و حکم تخلیه در دست، درباره شما بدون اطلاع‌تان تصمیم گرفته‌اند. رسم ادب این بود ابتدا این موضوع بین مدیران ارشد دو سازمان مطرح می‌شد تا پس از تبادل نظر به هیات دولت فرستاده شود. جالب‌تر این‌که تاریخ‌نامه وزارت محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی همزمانی عجیبی دارد با جابه‌جایی مدیرعامل کانون که از بیرون از مجموعه کانون آمده‌اند و به‌طور طبیعی درجریان جزئیات ماجرا نیستند.

قاب

تجربه موفق انیمیشن‌سازی ایرانی

«هفت شهر» نخستین انیمیشنی بود که علی‌اکبر صادقی آن را در سال ۱۳۵۰ برای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ساخت. این انیمیشن که با صدای احمد شاملو منتشر شد، آغازی بر یک سلسله‌آثار انیمیشن کوتاه و موفق بود که صادقی آن را برای کانون ساخت و در جشنواره‌های مختلف جهانی، تحسین شد. این انیمیشن‌ها «گلباران»، «من آنم که...»، «ملک خورشید»، «رخ»، «زال و سیمرغ» نام داشتند و ۱۵ جایزه جهانی را کسب کردند.

کد بالا را اسکن کنید

نشست

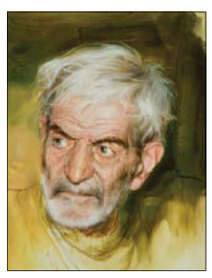

بررسی شعرهای آیینی شهریار در یک نشست ادبی

نشست چهارم از سلسله‌نشست‌های بزرگداشت روز شعر و ادب فارسی، فردا در پژوهشگاه هنر، فرهنگ و ارتباطات برگزار می‌شود.
در این نشست که به شهریار و شعر آیینی(حب اهل بیت) اختصاص دارد، شعرهای آیینی و دینی استاد محمدحسین شهریار بررسی می‌شود. دبیر این نشست دکتر محمود اکرامی‌فر، شاعر و پژوهشگر است که موضوع سخنرانی وی چیستی و چگونگی شعر آیینی است. در این نشست همچنین آرش شفاعی، شاعر و روزنامه‌نگار، دلایل شهرت شعر علی ای همای رحمت را بررسی می‌کند. عنوان سخنرانی غلامرضا طریقی، شاعر و مشاور مدیرعامل خانه کتاب، «شهریار؛ شاعر باورهای مردمی» است و علی داوودی، شاعر و پژوهشگر نیز درخصوص جایگاه شب در شعر آیینی شهریار صحبت خواهد کرد. دیگر سخنران این مراسم، اسماعیل امینی، شاعر و پژوهشگر است که درباره نظام ارزش‌های دینی در شعرهای ترکی شهریار، مقاله‌ای ارائه خواهد کرد. این نشست از ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه الی ۱۳ فردا برگزار خواهد شد و علاقه‌مندان می‌توانند مباحث مطرح شده در نشست را از طریق اسکای‌روم پژوهشگاه دنبال کنند. / جام‌جم

چهره

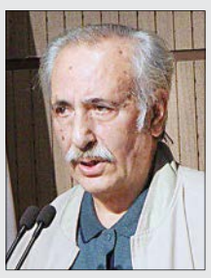

آثار جدید خرمشاهی در راه است

بهاءالدین خرمشاهی از چاپ دیوان کامل اشعار خود و همچنین دو کتاب پژوهشی به‌نام‌های «می باقی» و «شیوه شیوایی» خبر داد. خرمشاهی گفت: به‌تازگی چاپ سوم کتاب زندگینامه خودنوشت من با عنوان «فرار از فلسفه: زندگینامه خودنوشت فرهنگی» توسط نشر قطره منتشر شده است. چاپ اول این کتاب را انتشارات جامی در سال ۱۳۷۷ منتشر کرد. چاپ دوم آن که با ویراست جدیدی همراه شد حدود یک ماه پیش توسط نشر قطره منتشر و با استقبال مخاطبان مواجه شد، به قسمی که اکنون در این مدت اندک چاپ سومش منتشر شده است.
خرمشاهی ادامه داد: کتاب دیگری نیز به‌تازگی از من توسط نشر ناهید منتشر شده با عنوان «می باقی» که شامل ۷۴ مقاله حافظانه است. مشکلات دیوان حافظ و مباحث دیگر در آن در قالب مقالاتی کوتاه مطرح شده است. شیوه شیوایی دیگر کتاب جدید من است که احتمالا هفته آینده با نشر نگاه توزیع می‌شود. این کتاب شامل نقد آثار ۲۳ شاعر معاصر نیمایی است. / مهر